فرش ماشینی جایگزین قالی‌های دستباف

گزارش
صنعت

علی پاکزاد

در حالی که بازار فرش دستباف ایرانی در سال‌های اخیر در بازارهای جهانی دستخوش فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است به نظر می‌رسد در بازار داخلی فرش ماشینی توانسته است به عنوان یک کالای ارزان جایگزین این کالای سنتی ایرانی شود، البته این جایگزینی به دلیل عدم توجه به قالی‌های دستباف نیست بلکه تفاوت قیمت این دو کالا از یک سو و تنوع تولید در ابعاد، نقش و رنگ باعث شده است مصرف کنندگان ایرانی که روزی جز دستباف را بر کف خانه خویش نمی‌پسندیدند امروز به سمت کالای جایگزین کشیده شوند.

بررسی بازار داخلی نشان می‌دهد که ۹۰ درصد ساکنان شهرهای بزرگ کشور در خانه‌های خود فرش ماشینی دارند که ۱۴ درصد آنها این محصول را سال گذشته خریداری کرده‌اند.

به گزارش‌ام بی‌ای نیوز، نتایج بررسی‌های صورت گرفته از سوی یک مؤسسه تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که ۹۰ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال ساکن شهرهای بزرگ کشور در خانه‌های خود فرش ماشینی دارند که با در نظر گرفتن آمار به دست آمده از مرکز آمار ایران که جمعیت بالای ۱۵ سال کشور را ۵۲ میلیون و ۸۱۴ هزار و ۱۵۳ نفر اعلام کرده و همچنین با توجه به اینکه ۶۰ درصد این افراد در شهرها ساکن هستند کل صاحبان فرش ماشینی کشور حدود ۲۸ میلیون نفر برآورد می‌شود که ۴ میلیون نفر آنها در ۱۲ ماه گذشته فرش ماشینی خریده‌اند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۵۳ درصد این افراد بیش از ۳۰۰ هزار تومان برای خرید فرش هزینه کرده‌اند، ۲۰ درصد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و ۱۴ درصد این خریدارن بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بابت خرید فرش پرداخته‌اند، این در حالی است که فقط ۸ درصد متقاضیان فرش ماشینی در ۱۲ ماه گذشته کمتر از ۱۰۰ هزار تومان هزینه برای خرید این کالا اختصاص دادند.

البته این هزینه در حالی صرف خرید فرش ماشینی می‌شود که افراد با درآمد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان ۱۱ درصد بیش از سایرین متقاضی خرید فرش ماشینی بوده‌اند و تمایل بقیه افراد با سطوح درآمدی بالا برای خرید، کمتر است، به طوری که افراد با سطح درآمد بین ۵۰۰ تا ۷۵۰ هزار تومان ۱۱ درصد کمتر از دیگران فرش خریده‌اند، افراد با درآمد بالای یک میلیون تومان نیز ۷ درصد کمتر از دیگران متقاضی خرید فرش ماشینی بودند.

همچنین ارقام حاکی از تقاضای بالای فرش‌های با متراژ ۱۲ متری بوده به گونه‌ای که در ۱۲ ماه گذشته این متراژ با استقبال ۶۰ درصدی متقاضیان فرش روبه‌رو شد و متراژهای ۹ و ۶ متری هم توانستند به ترتیب نظر ۲۶ و ۱۵ درصد خریداران را جلب کنند، فرش ۲۴ متری تنها در لیست خرید ۵ درصد متقاضیان جای گرفت و سایر تقاضاها شامل فرش‌های با متراژ ۳ و ۴ متری، کناره، پادری و... شد.

این در حالی است که در سال‌های گذشته صدور فرش‌های ماشینی اگرچه رشد پیدا کرده است ولی در مقایسه با حجم این بازار در جهان سهم بسیار پایینی به خود اختصاص داده است یعنی در حالی که در سال‌های اخیر میزان صادرات فرش‌های ماشینی ایرانی در حد ۳ میلیون دلار افزایش پیدا کرده است، حجم بازار در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ به حدود ۳۰۰ تا ۳۴۰ میلیون دلار رسیده است و این به معنی سهم حداکثر یک درصدی ایران در این بازار است.

در حال حاضر در کشور حدود ۸۱۲ واحد تولیدکننده فرش ماشینی با ظرفیت تولیدی بیش از ۱۱۱ میلیون مترمربع فعال هستند و این در حالی است که طی سال‌های گذشته کل تولید این واحدها از مرز ۳۹ میلیون متر مربع فراتر نرفته است و برآوردهای مصرف نیز نشان می‌دهد که در سال ۹۵ میزان مصرف داخلی این محصول به ۴۵ میلیون متر مربع خواهد رسید و بنابراین می‌توان گفت به رغم استقبال ایرانی‌ها از این نوع محصول در سال‌های گذشته به دلیل ظرفیت اسمی نامناسب تعریف شده برای تولید کنندگان، بخش عمده‌ای از سرمایه اولیه این تولید کنندگان بلا استفاده باقی مانده و در عمل باعث افزایش قیمت تمام شده این نوع محصول در مقایسه با محصولات خارجی شده است و به همین دلیل می‌توان گفت عدم امکان رقابت با دیگر کشورها باعث شده است که تولید کنندگان فرش ماشینی محدود به بازار داخلی شوند و به رقابت با فرش ماشینی به عنوان کالای جانشین بپردازند. این مسئله باعث افت تقاضای جاری فرش دستباف در کشور شده است، هرچند این رقابت با توجه به کیفیت و نوع نگاهی که به فرش دستباف وجود دارد باعث نشده است که به بازار این کالا به عنوان یک کالای لوکس لطمه وارد شود ولی امروزه دیگر شاید بتوان گفت در خانه اقشار متوسط جامعه شهری از هر سه زیر انداز تنها یکی فرش دستباف است و باقی آنها محصولات ماشینی هستند که باقیمتی بسیار پایین‌تر از محصول سنتی به بازار عرضه می‌شوند و در عمل نقدینگی بازار فرش دستباف را به شدت تحت تأثیر همین موضوع قرار گرفته است.

محسن رنانی در گفت‌وگو با خبر:

به اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اصلاً خوشبین نیستم

اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها در شرایط کنونی خودکشی دولت است

محسن رنانی، دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان وقتی قرار شد از آثار اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها سخن بگوید با صراحت با بیان همین یک جمله «از بعد از نوروز امسال تقریباً مطمئن شده‌ام که طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اجرا نخواهد شد» نشان داد که دیگر باید به جای سخن گفتن در مورد آثار اجرای این طرح، به دنبال شواهدی برای اجرا نشدن آن بود. نویسنده کتاب «بازار یا نابازار؟» این روزها دیگر بر خلاف موضعی که چندی پیش در مناظره با رئیس شورای رقابت داشت و گفته بود اگر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اجرا شود حداکثر ظرف شش ماه متوقف خواهد شد، خیلی با اطمینان می‌گوید که اصلا این طرح اجرا نخواهد شد. و بهترین شاهد برای اجرا نشدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را نیز تجربه خوشه‌بندی عنوان می‌کند. رنانی که کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد در ایران» را هم زیر چاپ دارد، به سؤالاتی در مورد تأثیرات اجرای این طرح بر اقتصاد کشور و به خصوص اشتغال کشور پاسخ می‌دهد. سخن نهایی نویسنده مقاله «توسعه ملی در کمند سیاست» که تحلیلی است درباره ساختار نظام اقتصادی و سیاسی ایران از نگاه سیستمی، خطاب به سیاستمداران است. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

گفت‌وگو
اقتصاد کلان

سیدابراهیم علیزاده

■ شما پیش از این ـ در مناظره با رئیس شورای رقابت ـ عنوان کرده بودید که طرح تحول اقتصادی دنباله و مکمل طرح تعدیل اقتصادی است. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال‌های دهه ۷۰ شمسی نرخ‌های بیکاری کشور بالاتر از دو دهه دیگر و حتی در آستانه ۱۵ درصد بوده است. حال در سال جاری که نرخ بیکاری فعلاً حدود ۱۵ درصد اعلام شده است فکر می‌کنید اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در سال جاری چه میزان می‌تواند بر این نرخ تأثیر بگذارد؟

مگر شما هنوز گمان می‌کنید طرح هدفمندسازی اجرا خواهد شد؟

بپذیریم این طرح اجرا نخواهد شد.

بهترین شاهد بر اینکه این طرح قابل اجرا نیست و اجرا نخواهد شد همان تجربه خوشه‌بندی است. خوشه‌بندی یک مرحله بسیار ساده و ابتدایی از اجرای همین طرح هدفمندسازی بود. این مرحله ساده به هر علتی، مثلاً دادن اطلاعات غلط از سوی مردم یا ناتوانی نظام اداری و آماری ما یا وحشت دولت از یکی دو اعتراضی که در یکی دو شهر انجام شد، متوقف شد. خب اگر دولت به هر علتی در انجام نخستین و ساده‌ترین مرحله این طرح شکست می‌خورد، قطعاً در مراحل سخت‌تر عقب‌نشینی خواهد کرد. منتها حالا دولت باتجربه‌تر و محتاط‌تر شده است و دیگر مثل سابق بی‌گدار به آب نمی‌زند. روی همین حساب برآورد من این است که اکنون بیش از آنکه عزم اجرای طرح را داشته باشند دنبال مفری می‌گردند تا آن را به طور کلی متوقف کنند.

این شوک در میان‌مدت مهار می‌شد و در بلندمدت اقتصاد ما وارد یک مرحله رشد تازه‌ای می‌شد اما اکنون که شرایط ما مطلوب نیست، اجرای این طرح موجب می‌شود اقتصاد برای دوره بلندی وارد رکود تورمی شود و بنابراین اشتغال کشور شدیداً آسیب می‌بیند.

■ اصلاً فکر می‌کنید بازار کار فعلی کشور توان تحمل این آثار را دارد و مجدد می‌تواند حداقل به وضعیت حال حاضر برسد؟

اگر این طرح اجرا شود رکود تورمی که اکنون وجود دارد تعمیق و جدی‌تر می‌شود و اقتصاد کاملاً زمین‌گیر می‌شود. در این شرایط نرخ بیکاری یک‌باره جهش می‌کند و وضعیت رفاهی نیروی کار شدیداً پایین می‌آید. اگر بخواهم تشبیه کنم باید بگویم وضعیتی شبیه قبل و بعد از انقلاب پدید می‌آید. هنوز بعد از ۳۰ سال که از انقلاب می‌گذرد وضعیت رفاهی یعنی انرژی برای خانوارها، یا تبعیض قیمت برای اتومبیل‌ها، یا تفاوت قیمت برق و گاز در مناطق مختلف شهر و نظایر اینها ـ هزینه‌هایش را تأمین کند.

■ فرض کنید ما چاره‌ای نداشته باشیم که قیمت‌های انرژی را واقعی کنیم و باید در این زمینه کاری کرد. اگر از شما مشورتی خواسته شود چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید؟

اقتصاد عرصه معجزه نیست. در اقتصاد نمی‌توان یک شبه معجزه کرد. بیشترین خسارت‌ها را هم به اقتصاد یک ملت، سیاستمدارانی می‌زنند که عطش معجزه دارند. پس اول از همه باید این را بپذیریم که در اقتصاد، لوبیای سحرآمیز وجود ندارد. باید طرح بلندمدت داشت ولی آن را خیلی آرام و گام به گام اجرا کرد و البته طرح بلندمدت و اجرای آرام و گام به گام فقط در کشورهایی امکان‌پذیر است که ثبات سیاسی و اجتماعی دارند. پس اول باید شرایط داخلی و خارجی کشور را به سوی ثبات ببریم. بعد باید بیاییم و طرح‌های بلندمان را بشکنیم و مرحله‌بندی کنیم. همین مورد اصلاح قیمت حامل‌های انرژی یادتان هست؟ مسئله از دولت پنجم و ششم شروع شد و داشت آرام آرام هر سال ۱۰ تا بیست درصد بر قیمت حامل‌های انرژی افزوده می‌شد. البته پیامدهای تورمی هم داشت اما قابل تحمل بود. اگر آن سیاست ادامه یافته بود در سال ۱۳۹۰ یعنی همین سال آینده قیمت بنزین به ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس می‌رسید و هدفی که الان طرح هدفمندسازی می‌خواهد به آن برسد محقق می‌شد اما دولت نهم وقتی آمد افزایش تدریجی قیمت حامل‌های انرژی را متوقف کرد و این کار، خطای بزرگی بود. من معتقدم به جای یک سیاست شوک مانند، بهتر است دوباره یک سیاست تدریجی دیگر آغاز شود. مثلاً اکنون که امکانات دیجیتال و شبکه اینترنت در سراسر کشور وجود دارد خیلی راحت می‌توان همین کاری که برای کارتی کردن بنزین شد را به صورت مرحله‌ای گسترش دهیم و برای همه انواع حامل‌های انرژی اجرا کنیم. مثلاً الان می‌توان به سادگی قیمت بنزین را برای اتومبیل‌های مختلف، پلکانی تعریف کرد. یعنی سهمیه باشد و حتی سهمیه را به جای کاهش بالا هم ببریم اما هر اتومبیل بسته به طبقه قیمتی‌اش، یک قیمت متفاوت را برای بنزین بپردازد. این کار ساده‌ای است و با نصب یک گیت دیجیتال روی تمام اتومبیل‌ها امکان‌پذیر است. در این صورت مسئله خرید و فروش کارت بنزین هم دیگر از بین

چند مسئله قابل اهمیت در اقتصاد کشور

یادداشت
اقتصاد کلان

محمد نهاوندیان

شکل و ماهیت کسب و کار ایرانیان این روزها با چند مسئله مشکل، مهم و مؤثر مواجه شده است که حل آنها هوشیاری و تلاش جدی می‌خواهد. تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران با صدور قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل متحده بدون تردید یک اتفاق واقعی و مؤثر است. برای مواجهه با این رویداد، چند کار باید انجام شود. اقدام نخست این است که همه فعالان اقتصادی در بخش دولتی و بخش خصوصی باید با استدلال‌های دقیق و کارشناسانه احتمال شکست آن را به همه افراد و نهادهای اثرگذار نشان دهند. استدلال ما این است که اقدام شورای امنیت، برخلاف عرف و عادت جهانی است و جریان اقتصاد رقابتی را مخدوش می‌کند و به همین دلیل احتمال ناکامی آن وجود دارد. اگر این روش را یک روش کمونیستی بدانیم که به نظر ما عین روش یادشده است، کافی است به تجربه تاریخی جامعه انسانی در سده اخیر اشاره و یادآور شویم که این اقدام حاکم کردن سیاست بر اقتصاد است و در شمار قابل توجهی از کشورها شکست خورده و در مورد اخیر نیز احتمال کامیابی آن اندک است. ایرانیان باید با استدلال نیرومند نشان دهند تشدید تحریم‌ها، یعنی شکست دیپلماسی مبتنی بر پایه گفت‌وگو و این نشانه خوبی نیست. اما در درون سرزمین چه باید کرد؟

واقعیت این است که فعالان اقتصادی و مدیران، آماج و هدف تشدید تحریم‌ها هستند، بنابراین باید در حوزه‌های گوناگون و در تصمیم‌های مختلف پیش رو، رویکرد تقویت بخش خصوصی در دستور کار باشد. این تغییر رویکرد، یعنی حمایت جدی و کارآمدتر از فعالیت‌های خصوصی درجهت تقویت توان رقابتی بخش تولید، تا به این ترتیب تحریم‌ها تا حدممکن کم‌اثر باشند. این رویکرد باید همه مسائل مهم سیاستگذاری در بخش‌های گوناگون را پوشش دهد.

در همین زمینه، چند نکته و چند رویداد را می‌توان در کانون توجه قرار داد. موضوع اول در درون سرزمین، سوق دادن فعالیت‌های بازار پول و سرمایه به ویژه شبکه بانکی به حمایت از بخش خصوصی است. خوشبختانه با تلاش جدی و ارزنده‌های کارشناسانه اتاق بازرگانی و صنایع و

به نظر می‌رسد که دولت دارد مقدمات اجرایش را آماده می‌سازد. شما نظری غیر از این دارید؟

من تا اواخر سال گذشته گمان می‌کردم اجرا می‌شود و می‌گفتم اگر اجرا شود حداکثر ظرف شش ماه متوقف خواهد شد. این را به صراحت نیز در مناظره با رئیس شورای رقابت و سایر مصاحبه‌ها گفته‌ام اما از بعد از نوروز امسال تقریباً مطمئن شده‌ام که اجرا نخواهد شد.

این اطمینان از کجا حاصل شده است؟

شنیده‌اید که می‌گویند سنگ بزرگ علامت نزدن است؟ یعنی من از اول هم عقل معنایی‌ام می‌گفت این کار در شرایط موجود نشدنی است اما از آنجا که این دولت نشان داده است که خیلی وقت‌ها بی‌گدار به آب می‌زند می‌گفتم شاید هم واقعاً دست به این کار بزنند. به همین دلیل در نقدهایم می‌گفتم اگر هم این کار شروع شود به علت مهیا نبودن مقدمات ضروری آن، ظرف چند ماه شکست خواهد خورد ولی حالا مسئله فقط دولت نیست. این طرح آن‌قدر پیامدهای سنگین دارد که فقط سرنوشت دولت را رقم نمی‌زند بلکه برای کل کشور هم پیامدهای سنگین خواهد داشت. احساس می‌کنم همه متوجه شده‌اند که این کار کوچکی نیست که بشود به سرعت و با هیاهو انجام داد و ممکن است جامعه را در گردابی از حوادث پی در پی و غیرقابل کنترل درگیر کند. به همین دلیل اکنون معتقدم که هم دولت و هم سایر قوا دنبال این هستند که مفری بیابند و این طرح را آبرومندانه کنار بگذارند.

فکر می‌کنید بعد از این همه تبلیغات و سرمایه‌گذاری روانی روی این طرح، حالا حتی اگر بخواهند می‌توانند متوقفش کنند؟ فراموش نکنیم که دولت حتی به مردم اعلام کرده که بروند حساب باز کنند.

کار مشکلی نیست. اگر یادتان باشد چندماه پیش رئیس دولت در سخنرانی‌ای که در ایلام داشت چیزی به این مضمون گفت که «دست‌های ناپاک نگذاشتند تا طرح بنگاه‌های زودبازده به نتیجه برسد». این حرف دو پیام بزرگ داشت. یکی اینکه به نوعی اعلام رسمی شکست طرح بنگاه‌های زودبازده و پایان این طرح از سوی عالی‌ترین مقام رسمی دولت بود. پیام دیگر هم این بود که در این کشور خیلی ساده می‌شود یک ایده خامی را مطرح کرد و به هشدارها و نامه‌های ده‌ها اقتصاددان در مورد بی‌نتیجه بودن و تورم‌زا بودن آن توجهی نکرد و چند ده هزار میلیارد تومان صرف اجرای آن کرد و وقتی هم شکست خورد خیلی ساده بگوییم دشمنان موجب شکست آن شدند و یکی نباشد که از شما یک گزارش عملکرد بخواهد و کسی نباشد که گزارش عملکردی تهیه کند و نشان دهد که تزریق این همه پول به اقتصادی که فضای کسب و کارش به واسطه رفتارهای خود دولت، بی‌ثبات و آشفته شده است، چه تبعات وحشتناکی برای اقتصاد امروز و نسل فردا داشته و خواهد داشت. مگر یادتان رفت که چه سروصدایی برای جمع‌آوری اطلاعات خانوار شد و بعد گفتند بیایید خوشه‌بندی کنید و خوشه‌های خود را مشخص کنید؟ و چند ده میلیارد تومان فقط خود دولت صرف جمع‌آوری این اطلاعات کرد و چند ماه وقت و اعصاب مردم را درگیر این مسئله کردند؟ نتیجه چه شد؟ خیلی ساده گفتند مشکلاتی هست که نمی‌شود آن را اجرا کرد و کنار گذاشتند. آیا وقتی طرح خوشه‌بندی را کنار گذاشتند مشکلی پیش آمد؟ خوب حالا هم با اینکه گفته‌اند بیایید حساب باز کنید و از این کارها، بعد از مدتی می‌گویند متأسفانه به فلان علت، این کار انجام‌شدنی نیست.

اما اینها هنوز دلایل قانع‌کننده‌ای نیست که مثلاً به چه بهانه‌ای؟

شما هنوز مشکل بهانه را دارید؟ این چیز ساده‌ای است. مثلاً قرار بود این طرح از اول سال جاری اجرا شود. بعد دولت بهانه کرد که چون مجلس اعتبار آن را ۲۰ هزار میلیارد تومان تصویب کرده، اجرای این طرح شدنی نیست. خب چند ماه سر این قضیه طی شد. بعد از مجلس مصوبه گرفتند که طرح را در نیمه دوم سال اجرا کنند. بعد گفتند چون اول مهر به طور طبیعی و به علت شروع مدارس برخی قیمت‌ها بالا می‌رود بهتر است اجرای این طرح همزمان با شروع مدارس نباشد.

در اقتصاد نمی‌توان یک‌شبه معجزه کرد. بیشترین خسارت‌ها را هم به اقتصاد یک ملت سیاستمدارانی می‌زنند که عطش معجزه دارند. پس اول از همه باید این را بپذیریم که در اقتصاد، لوبیای سحرآمیز وجود ندارد. باید طرح بلندمدت داشت ولی آن را خیلی آرام و گام به گام اجرا کرد

تمام این صحبت‌های شما بر مبنای گمانه بود. بر اساس شواهد واقعی چه می‌توان گفت؟

اینها که گفتم گمانه نبود، شواهد واقعی بود از رفتار گذشته دولت در این طرح و سایر طرح‌هایش. اما مهم‌ترین استدلال من این است که چون این طرح در شرایط کنونی قابل اجرا نیست کم‌کم ارکان نظام در مورد توقفش به جمع‌بندی می‌رسند. یعنی اجرای این طرح در شرایط کنونی کشور، سنگ بزرگ محسوب می‌شود. یادتان باشد سه سال پیش که دولت این طرح را مطرح کرد ما بالاترین درآمدهای نفتی را داشتیم و ذخایری نیز در صندوق ذخیره ارزی مانده بود و امید می‌داد که به پشتوانه آن بتوان برخی تحولات را در اقتصاد ایجاد کرد اما حالا که نه آن درآمدهای خیره‌کننده نفت هست نه در صندوق ذخیره پولی مانده است و دولت نیز بدهی‌های به بخش خصوصی دارد، هیچ ابزاری برای دولت وجود ندارد که در صورتی که با اجرای این طرح، اقتصاد به هم ریخت و ما با موجی از ورشکستگی بنگاه‌ها و کارخانه‌ها و امواجی از بیکاری و جهش تورم روبه‌رو شدیم، بتواند درهم ریختگی اقتصاد را کنترل کند و اعتراض‌های اجتماعی را مهار کند. بنابراین دست زدن به اجرای این طرح در شرایط کنونی نوعی خودکشی برای دولت است و عواقب وخیمی نیز برای کل نظام سیاسی دارد. فکر نمی‌کنم اکنون کسی باشد که چنین ریسکی را بپذیرد. خیلی ساده نگاه کنید به علت یک افزایش ساده نرخ مالیات که بازاریان شهرهای بزرگ اعتراض کردند و در برابر آن مقاومت کردند و نهایتاً دولت عقب‌نشینی کرد. همین واقعه هم پایین بودن آستانه تحمل جامعه و هم پایین بودن آستانه مقاومت دولت را نشان می‌دهد که در برابر اعتراضات اقتصادی و اجتماعی به سرعت عقب‌نشینی می‌کند. پس عقل حکم می‌کند دست به کاری نزند که آشکار است که به سرعت به بحران می‌رسد و مجبور به عقب‌نشینی می‌شود.

به‌رغم همه این پیش‌بینی‌ها، فرض کنیم طرح هدفمندسازی یارانه‌ها اجرا شود، آیا تأثیرات اجرای آن بر وضعیت اشتغال کشور به صورت موقت خواهد بود؟ اگر پاسخ آری است، برآورد می‌کنید حداقل چند سال طول بکشد که این آثار جبران شود؟

گرچه معتقدم ورود به بحث درباره طرحی که مطمئن هستیم اجرا نمی‌شود کاری عبث است اما چون برای پرسش شما احترام قائلم، در هر صورت پاسخ شما را اجمالاً عرض می‌کنم. اگر شرایط ما چیزی غیر از شرایط کنونی بود و نیز فضای کسب و کار مطمئن بود و اقتصاد ما در دوره رکود قرار نداشت، آنگاه اجرای این طرح یک شوک تورم رکودی ایجاد می‌کرد که قدرت خرید واقعی نیروی کار ما ـ به طور نسبی در مقایسه با سایر عوامل تولید ـ به وضعیت قبل از انقلاب نرسیده است. اجرای هدفمندسازی می‌تواند یک چنین شرایطی را بازتولید کند.

با توجه به این آثار منفی‌ای که جنابعالی مطرح کردید و همچنین با توجه به تجربه‌ای که ما در طرح تعدیل اقتصادی داشته‌ایم، آیا عقلانی است که شروع اجرای طرح هدفمندسازی در سال جاری باشد؟

گفتم، من معتقدم که اجرای این طرح نه تنها در سال جاری بلکه کلاً در شرایط جاری که مناسبات داخلی و خارجی ما تنش‌آلود است و اقتصاد ما در رکود تورمی است صلاح نیست. از این گذشته معتقدم که این طرح حداقل به صورتی که قبلاً گفته شده بود اجرا نخواهد شد و دولت دنبال آن است که به گونه‌ای آبرومندانه آن را کنار بگذارد. البته ممکن است به گونه‌ای دیگر و در برخی استان‌ها به صورت محدود اجرا شود اما اینکه یک باره برای کل اقتصاد و کل استان‌ها شروع شود و از یک تاریخی به بعد به همه خانوارها پولی داده شود و قیمت همه حامل‌های انرژی بالا برود و نظایر اینها، نه، چنین نخواهد شد اما البته دولت خواهد کوشید که به روش‌های دیگری قیمت حامل‌های انرژی را به تدریج بالا ببرد، بدون اینکه به خانوارها پولی بپردازد. بالاخره دولت خیلی برای خودش هزینه تراشیده است و نیاز به بودجه سنگینی دارد که دیگر درآمد نفت هم کفایت آن را نمی‌کند. بنابراین باید از یک جایی منابع مالی لازم برای این دولت پرهزینه تأمین شود. به همین علت خواهند کوشید که به روش‌های دیگری و به تدریج قیمت حامل‌های انرژی را بالا ببرند و یارانه‌ها را کاهش دهند. احتمالاً شنیده‌اید که قرار است در مورد مصرف گاز، قبض خانوارهای پرمصرف از خانوارهای کم‌مصرف متفاوت باشد. خب این می‌تواند آغازی باشد برای افزایش قیمت گاز برای خانوارهای پرمصرف و بعد برای بقیه و البته معتقدم این کار بهتر از اجرای یک‌باره هدفمندسازی است.

یعنی این مسئله که مردم را فریب دهند و از راه‌های دیگری قیمت را بالا ببرند و پولی به مردم پرداخت نشود، بهتر است؟

مسئله من و نگرانی من فقط این است که یک شوک غیرقابل تحمل به اقتصاد ایران وارد شود و اقتصاد ایران به هم بریزد و بعد یکی دو نسل ما با رکود و تورم‌های پی درپی و در نتیجه با یک درهم ریختگی اجتماعی دیگر روبه‌رو شود. چنین اتفاقی می‌تواند برای چند دهه اقتصاد ما را از هرگونه جهشی ناتوان کند و همین باقی مانده طبقه متوسط موجود را نیز از بین ببرد و کشور ما تقسیم بشود بین دو طبقه فقیر و غنی. من از این نگرانم چراکه اگر طبقه متوسط از بین رفت و متوسط‌های امروز ما نیز به فقرا پیوستند آنگاه دیگر فاتحه توسعه برای چند دهه در این کشور خوانده می‌شود چون توسعه محصول گسترش طبقه متوسط است. طبقه متوسط موتور اصلی توسعه است. وقتی طبقه متوسط از بین برود، در واقع امید به توسعه از بین رفته است. بنابراین، آری من موافقم که دولت طرح هدفمندسازی را به صورت کنونی که حالت شوک دارد اجرا نکند و از راه‌های دیگری ـ مثل پلکانی کردن قیمت‌های می‌رود و هر اتومبیل فقط می‌تواند با کارت خودش بنزین بزند. این کار را برای خانه‌ها در مناطق مختلف شهری هم می‌توان انجام داد. می‌توان قیمت انواع خدمات شهری مثل برق و گاز و آب و حتی تلفن را بر اساس قیمت منطقه‌بندی شهرداری پلکانی تعیین کرد. حتی می‌توان داخل یک منطقه شهری نیز بین محلات مختلف نیز تفاوت قیمت قائل شد. از این گذشته می‌توان میان مشترکان کم‌مصرف و پرمصرف تبعیض قیمت قائل شد. یعنی نه تنها بین مناطق شهری قیمت‌ها را متفاوت تعیین کرد بلکه بین مشترکان هر بخش نیز تفاوت قیمت قائل شد و یک ضریب نیز برای افزایش مصرف نسبت به مصرف میانگین تعریف کرد. با این کار هم مصرف‌کنندگان ثروتمند، قیمت بالاتر می‌پردازند و هم مصرف‌کنندگان پرمصرف مجبور می‌شوند یا قیمت بالاتر را بپذیرند یا مصرفشان را کم کنند. از سوی دیگر فقرا نیز افزایشی در هزینه‌های خود نخواهند داشت، چون آنان همچنان قیمت‌های پایین را می‌پردازند. البته این مشکل باقی می‌ماند که فقرا الگوی مصرف انرژی خود را اصلاح نخواهند کرد. این هم البته در بلندمدت حل می‌شود. چون اگر معیار قیمت‌گذاری ما میانگین مصرف مشترکان هر منطقه باشد در این صورت آرام آرام همه می‌کوشند مصرف خود را کاهش دهند تا فاصله خود را با میانگین مصرف کم کنند تا از قیمت‌های پایین‌تر برخوردار شوند. بنابراین هم فقرا و هم اغنیا در بلندمدت مجبور می‌شوند الگوی مصرف خود را اصلاح کنند.

در مورد بخش تولید چه باید کرد؟

بخش تولید هم به همین ترتیب قابل مدیریت است. در مورد برخی از فعالیت‌ها از هم‌اکنون می‌توان تبعیض قیمت را اعمال کرد. در مورد بخش‌هایی نیز که اکنون توان تحمل افزایش هزینه‌ها را ندارند نیز می‌توان فرصت داد. میزان فرصتی که می‌دهیم نیز باید بسته به وضعیت صنایع و فعالیت‌های مختلف تفاوت کند اما این گونه نباشد که مثلاً به صنایع نساجی بگوییم ۱۰ سال فرصت بازسازی خود را دارید ولی آنها را به حال خود رها کنیم. بلکه باید از همین سال اول شروع کنیم و قیمت حامل‌های انرژی را برای آنها به مقدار اندکی بالا ببریم و این مقدار سالانه افزایش یابد به گونه‌ای که مثلاً در سال دهم قیمت انرژی برای آنها کاملاً آزاد شود. نمی‌توان یک نسخه واحد برای کل فعالیت‌های اقتصادی پیچید بلکه باید صنعت به صنعت و حتی فعالیت به فعالیت نرخ‌گذاری و زمان‌بندی کرد. حتی این تبعیض قیمت را می‌توان بر اساس شدت انرژی در صنایع مختلف تعدیل کرد. شدت انرژی یعنی مقدار انرژی‌ای که برای تولید یک واحد کالا صرف می‌شود. می‌توان به صنایع مهلت داد که مثلاً طی پنج یا ۱۰ سال باید شدت مصرف انرژی‌شان به میانگین همان صنعت یا به متوسط جهانی نزدیک شود. در غیر این صورت سال به سال، بسته به میزان رکود در تحول ساختارها و فناوری‌شان و بسته به کاهش نیافتن شدت انرژی شان، قیمت انرژی برای آنها افزایش یابد. اینها نمونه‌هایی از کارهایی است که طی یک برنامه بلندمدت می‌توان انجام داد. ده‌ها، واقعاً می‌گویم ده‌ها روش و راه حل دیگر می‌توان پیشنهاد داد اما همه اینها مشروط به این است که دولت دست از معجزه‌بازی بردارد و بپذیرد که اقتصاد یک سیستم زنده و پویاست و تن به هر سیاستی که ما بخواهیم نمی‌دهد. دولت باید بپذیرد که اول باید شرایط داخلی را به سوی وفاق و افزایش اعتماد عمومی و بهبود سرمایه اجتماعی ببرد و مناسبات جهانی ما را نیز از این حالت بی‌ثبات خارج کند و بعد از آن دست به جراحی اقتصاد بزند.

اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در شرایط کنونی کشور، سنگ بزرگ محسوب می‌شود. سه سال پیش که دولت این طرح را مطرح کرد ما بالاترین درآمدهای نفتی را داشتیم و ذخایری نیز در صندوق ذخیره ارزی مانده بود و امید می‌داد که به پشتوانه آن بتوان برخی تحولات را در اقتصاد ایجاد کرد اما حالا که نه آن درآمدهای خیره‌کننده نفت هست نه در صندوق ذخیره پولی مانده است و دولت نیز بدهی‌های به بخش خصوصی دارد

معادن ایران در نهادهای مختلف از جمله شورای پول و اعتبار چند حرکت مناسب انجام شده است. شورای پول و اعتبار با لحاظ کردن دیدگاه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران دستورالعمل وصول مطالبات بانکی را به گونه‌ای تنظیم و تبدیل کرده است که ایده‌های تازه‌ای پدیدار شده است. علاوه بر این، در این آیین‌نامه تعدیل شده، بندی که مربوط به تضمین خانوادگی متقاضیان دریافت اعتبارات که اشکال حقوقی نیز داشت، لغو و راه فعالان اقتصادی هموار شد.

درباره سیاست‌های اتخاذشده در موضوع مطالبات معوقه بانک‌ها چند نکته وجود دارد که باید با هوشیاری بیشتر به آن توجه شود. واقعیت این است که اعضای اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن ایران معتقدند و باور دارند که بانک مرکزی حق دارد با انحراف رخ‌داده مقابله کند و حتی باور دارند که می‌شود با موارد سوءاستفاده شده برخورد قضایی انجام شود، اما بانک مرکزی و دولت باید به شرایط نامساعد پیش‌آمده در کسب و کار فعالان بخش خصوصی که خارج از اراده آنها بوده است نیز توجه کنند. نوع حل مسئله مطالبات معوقه نباید گونه‌ای باشد که برای واحدهای تولیدی که در تنگنا قرار دارند، محدودیت‌های تازه اعمال شود و آنها را از چرخه فعالیت خارج کند. توجه داشته باشیم که دادن اختیارات مدیریتی واحدهای تولیدی به بانک‌ها، آزمون شکست خورده‌ای است و تردید نکنیم که مدیریت بانک‌ها برای واحدهای تولیدی، کارآمدی ندارد. فعالان اقتصادی و تولیدی بخش خصوصی و نهادهای مالی- پولی دولتی در حکم یک خانواده بزرگ‌اند و نباید مشکل پدیدار شده را با دادن یک حکم واحد کلی که در آنها استثنا وجود ندارد حل کرد. رویکرد استراتژیک حمایت گسترده و واقعی از بخش خصوصی باید در تصویب نهایی لایحه برنامه پنجم توسعه نیز دیده شود. خوشبختانه در ماه‌های اخیر مشارکت کارشناسانه، فعال و نیرومند اتاق بازرگانی با کمیسیون‌های گوناگون به ویژه کمیسیون برنامه مجلس، شاهد رویکرد بسیار مثبت و توجه جدی در مسیر یادشده بوده‌ایم. این تعامل کامیاب و موفق موجب شده است پیشنهادهای اتاق ایران در بخش‌های گوناگون از جمله مسئله سرنوشت‌ساز اصلاح فضای کسب و کار که در لایحه به صورت کامل دیده نشده بود، مورد توجه و تصویب قرار گیرد.

تشکیل شورای گفت‌وگو میان نهاد دولت و بخش خصوصی می‌تواند به عنوان مرجعی قابل اتکا که توانایی انتقال دیدگاه‌های بخش خصوصی به مسئولان سه قوه را دارد، لغو امتیازهای اعطا شده به شرکت‌های شبه‌دولتی با هدف جلب اعتماد در رقابت بخش خصوصی با شبه‌دولتی‌ها در اجرای قانون مرتبط با اصل ۴۴ و همکاری بیشتر و واقعی نهادهای آموزش و پرورش و سازمان صداوسیما می‌تواند از کارکردهای این شورا باشد. نکته دیگر در موضوع بازار پول و شبکه بانکداری این است که شورای پول و اعتبار به این نتیجه رسیده که نرخ سود بانکی نباید از نرخ تورم پایین‌تر باشد، اما باید گزارش رئیس کل بانک مرکزی مبنی بر اینکه نرخ تورم به ۹/۹ درصد رسیده لحاظ شود و به همین دلیل نرخ سود تسهیلات بانکی با این عدد مقایسه شود. اگر بانک مرکزی و دولت، اختیارات تعیین نرخ سود بانکی را در انحصار دارند، چرا شرایط برای افزایش رقابت کافی در ارائه خدمات بانکی فراهم نمی‌شود تا نرخ سود در بازار و هم‌جهت با تحولات نرخ تورم تعیین شود؟

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

متن کامل را در khabaronline.ir بخوانید